

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: هیأت تحریر «آذرخش»

۲۰ اپریل ۲۰۱۱

دردوماه واندی که گذشت ، ما شاهد بحث هائی بودیم در رابطه با سیاست چند بُعدی گردانندگان سایت گفتمان که استحاله همان سیاست پیش گرفته شده شان در چوکات "شورای دموکراسی" وارگان نشراتی آن "فریاد" بوده است. از آنجائی که آن بحث به هیچ وجه مشاجره لفظی دوتن یا چند تن محدود بوده نمی تواند بلکه مسأله ایست ملی و ناشی از مبارزات خونین مردم ما در برابر استعمار و ارتجاع ، لازم دانستیم مقاله یکی از همکاران گرانقدر «آذرخش» را که امروزه جاودانگی پیوسته است، با درود به یاد و خاطره درخشان وی، درینجا اقتباس نمائیم تا باشد آنهائی که به "نسیان سیاسی" دچار شده اند، قضاوت بیشتر از ده سال پیش در مورد "شورای دموکراسی" و به واقعیت پیوستن قسمی آن را شاهد باشند. (اقتباس از شماره مسلسل ۲۹ \ سال چارم \ ۲۲ اگست ۱۹۹۹ (۳۱ اسد ۱۳۷۸) صفحات ۷ تا ۹)

هیأت تحریر «آذرخش»

نوشته از: امام علی

## "شورای دموکراسی"

### دسته کارد ارتجاع

دربستر سوزان و طوفانی حوادث و رویدادهای داغ و شتابنده کشور ما ، دسته ها و نیروهائی به صورت آنی و یکشبه زائیده شده وارد میدانگاه های نبرد می شوند و چند شبانگاهی با پشتیبانی مادی و معنوی کشورهای منطقه و جهان به سروری کاذب می رسند؛ و اما چون با روند تکامل جامعه و جهان بیگانه و در تضاد اند ، راه و سرانجامی

جزسقوط درپرتگاه تاریخ ندارند. درجمع افغانهای خارج کشور(اروپا وامریکا) نیزچنین تشکلاتی مطابق شرایط و اوضاع خارج گاهگاهی قد می کشند. ازآنجائیکه خودفروشی و وطنفروشی و اجیرشدن به دستگاه های جاسوسی بیگانه مایه افتخاروسربلندی هریک ازتنظیم های رسمی کشوراست و به ویژه اشخاص و افرادی که درآغوش تنظیم های شریپشآوری و ایرانی پرورش یافته اند و روزگاری هم به مقامات والای حزبی و دولتی رسیده اند، موقعیکه درخارج کشوردست به تنظیم بازی می زنند، هیچ گونه ضمانت وتضمینی درمورد غیروابسته بودن آنها وجود ندارد و این مسأله خود درذات خویش قابل تأمل و تعمق است. موقعیکه توده های مردم پس ازتجارب طولانی گران وخونین، ازبیکره های گندیده وفاسد احزاب خیانت پیشه جدا می شوند، امریست نیکو وپسندیده وبیانگرسطح رشد وآگاهی مردم بوده باید آنرا به فال نیک گرفت و ازآن استقبال نمود زیرا به عکس کسانی که ازرده های بالائی آن گروه ها می بُرند ودراروپا تغییررنگ وجلد داده و فعالیت های سیاسی شانرا درپرده ومرحله دیگری آغازمی کنند ، منطقاً باید آنرا به دیده شک وتردید نگریست و مواظب آن بود.

ازاین تذکرات جانبی و تخنیکی که بگذریم ، مدتیست درکشورالمان افراد و اشخاصی تحت نام "راه سوم" سیمینارها و جلساتی را درشهرهای مختلف المان برپا نموده اند. این افراد که قبلاً به احزاب مختلف اسلامی وابسته بودند و تعدادی ازآنها هنوزهم وابسته اند، بدون آنکه با گذشته خویش مقاطعه کنند و ایدئولوژی اخوانیت و نتایج خونبارچندین ساله آنرا به نقد بکشند، با قیافه گیری "متمدن" و موضعگیری به اصطلاح "معتدل"، می خواهند برای دولتمداری آینده خویش ازجمع پناهندگان وبه خصوص روشنفکران سربازگیری نمایند. اینکه مرتجعین گوناگون ازباندهای مسلح داخل کشورگرفته تا مرتجعین اروپا نشین با کف وکالرو ریش تراشیده تا کنون راه شانرا رفته اند و همچنان می روند، باکی نیست. اما تراژیدی ازجائی آغازمی گردد که آنها عده ای "روشنفکر" را برای «کتابت» خویش استخدام نموده با عنوان نمودن "راه سوم" سُراب دیگری را جلو دیدگان خلق به خون نشسته ما تصویرمی نمایند.

تجارب کشورهای جهان و کشورخودمان نشان داده است که پس ازشکست و فروکشی جنبش های روشنفکری و انقلابی ، امراض و معایب گوناگونی دامنگیرروشنفکرانی می شود که نتوانسته اند درپیراتیک مبارزه خصایل و صفات انقلابیون واقعی را کسب نمایند. پس ازسرکوب خونین و فروکشی جنبش روشنفکری داخل کشورتوسط رژیم خلقی - پرجمی وباندهای اخوانی ، عده ای ازعناصرشکست خورده ، مأیوس وبی ایمان به انقلاب ، با تاثیرپذیری ازدموکراسی بورژوائی وهیاهویی نظم نوین امپریالیستی ، "شورای دموکراسی" را درالمان غرب بنیاد نهادند. "قهرمانان" "شورای دموکراسی" که درفش "افتخار" دموکراسی بورژوائی و شعار"تسامح" و"صلح" میان فرقه های متخاصم اردوی مرتجعین را به دوش خویش حمل می نمایند، اینک پس ازشش سال عرق ریزی و "مبارزه" به مردابی که انتخاب نموده بودند، ظفرمندان قدم گذاشتند. "شورای دموکراسی" پس ازینهمه "صلح" خواهی میان جناح های متخاصم ارتجاع که "متأسفانه" به تحقق نپیوست، باید راهش راانتخاب می نمود، چنانچه همانطورکه پیش بینی می شد، انتخاب هم نمود یعنی نه درکنارنیروهای آزادیخواه انقلابی بلکه با "راه سوم" پیوست. زین پس هم مانند گذشته عرق ریزی می کنند، «کتابت» می نمایند تا سنگرارتجاع به سردی نگراید.

"فریاد" گران "شورای دموکراسی" که اینهمه "داد" ازدموکراسی می زدند، چرابانیره های سازمان یافته داخل کشورکه برای آرمان والای آزادی و تأمین حقوق دموکراتیک مردم، تاریخ و هویت مبارزاتی شکوهمندی را پشت سردارند و دریائی ازخون پاک همزمان شانرا تقدیم سنگرهای آزادی نموده اند ، درپی ایجاد و تشکیل بدیل دموکراتیک - ملی نرفت بلکه با نیروهای درآمیخت که دشمنی و خصومت شان با آزادی و دموکراسی شهره آفاق

گردیده است. آیا این عملکرد "شورای دموکراسی" به معنی و مفهوم دقیق کلمه، تقویت خیمه گاه دشمنان آزادی و دموکراسی و تضعیف سنگر آزادیخواهان و رهروان راه دموکراسی مردمی نیست؟ واقعاً که هست. این حرکت "شورای دموکراسی" درحقیقت یک نوع جلوگیری از رشد و به وجود آمدن الترننتیف ملی - مترقیست که این امر مهم اکنون در دستور کار همه افراد، شخصیت ها و نیروهای روشنفکری متعهد و معتقد به دموکراسی قرار گرفته است. "شورای دموکراسی" در شرایط حساس و تاریخی، به لشکر مرتجعین به اصطلاح "میانه رو" می پیوندد که ارتجاع افغانستان پس از دو دهه وحشت، بربریت و ویرانگری، باسرافکنندگی، وقاحت و افتضاحی به وسعت شکست شرمسارانه متجاوزین روسی و رژیم مزدورشان، آخرین نفس هایش را می کشد و تمامی برنامه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی شان محکوم به شکست بوده و کوچکترین پایگاه اجتماعی در میان مردم نتوانستند برای خویش برپا نمایند؛ و سینه های مردم لبریز از عقده و نفرت علیه این نیروهاست.

آری! در چنین اوضاعی که شرایط عینی برای ایجاد بدیل ملی - دموکراتیک مساعد گردیده است، "شورای دموکراسی" به یاری و کمک بدیل های ارتجاعی می شتابد تا با سنجاق زدن کلمه "دموکراسی" در سر و ته برنامه های شان، دین خویش را در برابر ارتجاع به خوبی ادا نموده باشد. "صلحی" که "شورای دموکراسی" برای آن حنجره خویش را پاره می نمود، اکنون تقریباً در بیشتر از نود (۹۰) درصد خاک کشور سایه بالهای شومش را گسترده است و باندهای اخوانی در آخرین پله های سرایش شکست و رسوائی خویش دست و پا می زنند و هیچ معجزه ای آنان را از سرانجام محتوم شان نجات داده نخواهد توانست. اکنون نعره های استبداد طالبیست که در سرتاسر کشور نهیب می زند و با کمک طلبیدن از ارنیئه تمام مردگان خویش، می خواهند تا چرخ پیشرونده تکامل را فرمان ایست دهند؛ که امریست محال.

پس از این اوضاع و قضایای افغانستان در دو جهت عمده سیر خواهند کرد: یا تعویض طالبان توسط امپریالیزم جهانی به یک رژیم ارتجاعی میانه رو که بتواند با ستراتیژی استعمار جهانی و مطالبات قرن بیست و یکم بیشتر همخوانی داشته باشد و امپریالیزم جهانی نیز بتواند خویشتن را از زیر فشار ذهنیت جهانی برهاند؛ و یا به وجود آمدن الترننتیف ملی - مترقی که کشور و جامعه را از این فاجعه قرن نجات دهد و به دردهای تاریخی مردم رسیدگی نماید. بناء افراد و نیروهای سیاسی نیز متناسب با خاستگاه و خواست های اجتماعی و طبقاتی شان، موازی و منطبق با این دو الترننتیف، خودشانرا سر و سامان خواهند داد.

آنانیکه متعهد به تاریخ، مردم و کشوراند، در جهت ایجاد و رشد الترننتیف ملی - دموکراتیک مبارزه خواهند نمود؛ و به عکس کسانیکه در تضاد با این حرکت پیشرونده تاریخ قرار دارند، خویشتن را در سازمانها و تشکلات ارتجاعی بسیج خواهند نمود تا با التفات امپریالیزم جهانی به نام "میانه رو" و "معتدل" و "دموکراسی خواه" بر سر نوشت و مقدرات کشور ما مسلط گردانیده شوند.

"شورای دموکراسی" که از شعار ارتجاعی و غلط "تسامح" و "صلح" میان فرقه های متخاصم ارتجاع، به "راه" غلط تری قدم گذاشته است، اگر برای موفقیت "راه سوم" تلاش بیهوده کند و یا نکند، امپریالیزم جهانی خود برای سر هم بندی چنین الترننتیفی که هم جایگزین طالبان شود و هم از بروز و پیدایش الترننتیف ملی - دموکراتیک واقعی جلوگیری نماید، سخاوتمندانه از کیسه دالرو مغزهای متفکرینش مصرف می نماید و متخصصینش برای تحقق این هدف، گماشته ها و افراد مطمئن و مورد نظرشان را نیز دارند و گزافه نخواهد بود که بگویم کاندیدها و منتظرین با معاش و بدون معاش چنین "رسالتی"، از فرط انتظار طولانی ناراحت کننده، روزانه سری هم به دفترها و شعبات CIA می زنند.

"شورای دموکراسی" در شرایط و اوضاعی درتانی با ارتجاع قرار می گیرد که در هیچ مقطعی از تاریخ تا امروز، خواست ها و شعارهای روشنفکران اینچنین درتطابق و همخوانی با خواست توده ها قرار نگرفته بود. امروز مردم در زندگی روزمره خویش صحت چنین خواست ها و آرمانهایی را احساس ، درک و تجربه می کنند. صلح ، آزادی ، تأمین حقوق دموکراتیک مردم ، پیشرفت و ترقی و محاکمه و مجازات جنایتکاران بیست سال اخیر، امروز خواست هر هموطن عذاب دیده ماست و جزسیه دلان سیه کار ، هیچ فرد صادقی با آن مخالفت نخواهد کرد. نیروهای ملی - دموکراتیک با پشتوانه بزرگ معنوی ، تاریخی و صداقت و پاکدامنی خویش ، شایستگی و ظرفیت آنرا دارند و تمام اجزای پیشرونده تاریخ نیز در خدمت آنان قرار خواهد گرفت تا امر بزرگ نجات میهن و مردم را به سرانجام برسانند. تنها آنانیکه با این تاریخ ویا هویت خویش بیگانه شده اند، نمیخواهند جایی در این کاروان پیشرونده آزادی داشته باشند.

اگر تاریخ را ورق برگردانیم، سراسر تاریخ مبارزه روشنفکران و آزادیخواهان، مملو از افتخار و سربلندی و سرفرازیست. از آغاز جنبش مشروطیت تا امروز، رهروان این قافله همت و افتخار در مبارزه و برخورد با غول های ملوک الطوائفی استعمار، سرداده اند ولی از آرمان خویش برنگشته اند.

به دهن توپ بستن ها ، باغل و زنجیر سالهای طولانی در سیاهچالها ماندن ، تبعید ، شکنجه های روانی و جسمی، اعدام و... اینست سراسر تاریخ جنبش آزادیخواهی و روشنفکری و دموکراسی طلبی در افغانستان. هیچیک از آن رادمردان بزرگ حنا با دموکرات ترین رژیم ارتجاعی وقت، به پای ائتلاف و تبانی نرفتند و نه هم حکومتداران وقت در پیچ و مهره های دستگاه دولتمداری خویش جایی برای چنین افرادی داشتند. پس تاریخ به وضاحت شهادت می دهد که هریک از این دو تبار متخاصم و آشتی ناپذیر، یعنی جنبش روشنفکری و ارتجاع ، به دنبال سرنوشت و راه خویش رفته اند و اکنون در بُرشی از این تاریخ خونین درخشان که آهنگ مارش پویندگان برهنه پای و زخمی آن دردل دشت ها و کوهپایه های کشور ظنین انداز است، "شورای دموکراسی" به آن تاریخ و این پژواک ندهای خونین پشت نموده، به اردوگاه ارتجاع پیوسته است؛ و دریغا دشنه سیاهی که فردا سینه روشنفکران و آزادیخواهان کشور ما را خواهد درید ، دسته پر خط و خال آن ، با "شورای دموکراسی" مزین است.

المان - ۹ دسمبر ۱۹۹۸